

سیاست مطبوعاتی در آخرین سال‌های حکومت رضاشاه



حکومت و مطبوعات (۱۳۱۷ - ۱۲۹۹)

کنترل و هدایت افکار عمومی، در زمره اساسی‌ترین ابزارهای حکومت‌های نوین برای کسب و نگاهداشت قدرت است. اگرچه در اولین ماه‌های پس از کودتای ۱۲۹۹، روزنامه‌نگار توانائی چون سیدضیاء از صحنه سیاسی ایران حذف شد، اما رضاخان و هواداران او به خوبی قابلیت خود را در به کارگیری احساسات عمومی برای اعمال فشار مضاعف بر احمدشاه جوان نشان دادند. سیل تلگراف‌های آتشینی که در حمایت از جمهوری و اعلام انزجار از سلطنت قاجاریه به سوی پایتخت روان بود، در حقیقت نخستین هنرنمایی‌های نظامیان برای سخن گفتن به جای مردم بود.^۱ جستجوی «دست آهنین» و «منجی ایران» و «نادری دیگر» در شهرها به شعار متداول قشرهایی از جامعه بدل شده بود که با احساس دردناک تأسف، شاهد خاموشی شعله نهضت مشروطه بودند. بدین گونه بود که شاعران، مهمترین گروه تأثیرگذار، در جامعه آن روز بعضی به رغبت و بعضی از روی مصلحت، به ثناگوئی رضاخان پرداختند مثلاً شاعر برجسته‌ای چون عارف قزوینی در غوغای جمهوری غزلی در تالار «گراندهتل» تهران خواند که از آن غزل ابیات زیر بر سر زبان‌ها افتاد:

خوشم که دست طبیعت نهاد در دربار
چراغ سلطنت شاه بر درچه باد
کنون که می رسد از دور رایت جمهور
به زیر سایه او زندگی مبارک باد!
ایرج میرزا جلال الممالک که به خاطر این غزل از عارف سخت رنجیده بود آن «عارف‌نامه» هزل‌آمیز را بر ضد این شاعر پر احساس سرود و در آن گفت که آن «یک دهن» را بی ربط خوانده است ولی با این حال، در همان منظومه عارف‌نامه چنین می‌گوید:

تجارت نیست، صنعت نیست، ره نیست
امیدی جز به سردار سپه نیست.^۲
در جریان جمهوری خواهی روزنامه‌های اکثریت همه به حمایت از «نهضت جمهوری خواهی» پرداختند ابتدا مقالاتی در انتقاد غیرمستقیم از احمدشاه به چاپ می‌رسید، ولی پس از درج مصاحبه رضاخان با «شفق سرخ» درباره لزوم تجمیع اصلاحات بیشتر، روزنامه‌های تهران و پس از آن روزنامه‌های شهرستان‌ها به شرح و تفسیر مصاحبه پرداختند و یکسره سلسله

قاجاریه را مورد حمله قرار دادند و پس از آن نوبت اصل سلطنت موروثی و اظهار معایب آن رسید. این نکته که فعالیت بر ضد قاجاریه، همزمان و در بیشتر روزنامه‌های پایتخت آغاز گردید، می‌تواند نشانه این باشد که میان ناشران و سردبیران روزنامه‌ها از سوتی و الهام دهندگان این فعالیت، یعنی هیأت دولت از دیگر سو موافقت کامل حاصل شده بود.^۳ اما پس از مدت کوتاهی، با شکست جریان جمهوری خواهی اولین دوره همکاری مطبوعات و رضاخان پایان یافت.^۴

استقرار سلطنت مطلقه پهلوی و آشکار شدن رویه خشن و دیکتاتورمآبانه رضاشاه، مطبوعات را بر سر یک دوراهی قرار داد. بسیاری از مطبوعات به تعطیلی کشانیده شدند و رابطه چند روزنامه باقی‌مانده هم با حکومت پهلوی از همکاری به مزدوری گرائید. مطالعه روزنامه‌هایی چون اطلاعات، ایران و کوشش در طول سال‌های سلطنت وی نمایانگر یکسانی کامل و یکنواختی کسل‌کننده‌ای است.

در طول حکومت رضاشاه آداب و سنن مذهبی مورد هجوم قرار گرفت. پوشش سنتی مردان و حجاب زنان با سرعیزه‌آموران امنیه به لباس‌های فرنگی تبدیل شد، تدریس شرعیات در مدارس حذف شد، قدرت و نفوذ روحانیون به شدت کاهش یافت و نظم نوین اداری به شکل فزاینده‌ای به سوی تمرکزگرائی هدایت گردید. «سازمان املاک اختصاصی» و «شرکت‌های انحصاری»، خفقان سیاسی و نابسامانی اوضاع اقتصادی دست به دست هم داد و زمینه‌های دوری مردم از حکومت را فراهم آورد. به تدریج متفکران و سپس بسیاری از مردم به این نتیجه رسیدند که رضاشاه چنگیزی در لباس نادر است که هدف حکومتش نه حفظ و حمایت ملت است و نه بهبود اوضاع کشور، بلکه تنها به نگاهداری دستگاه ترور و چپاول و توسعه غاصبانه اموال خود می‌پردازد. برای جلوگیری از ابراز مخالفت در ابتدای کار، روش تولید رعب و وحشت کافی به نظر می‌رسید. ولی وقتی افراط در سوء استفاده، جریان را به خارج از کشور و فشاگری‌های روزنامه‌های خارجی کشانده، باید چاره‌ای اندیشیده می‌شد که دیگر از جنس تهید و کشتار نباشد و با افکار مردم سرو کار داشته باشد. تنها راه چاره، تبلیغاتی قوی و همه‌جانبه بود تا ارزش‌های جدید روش‌های نوین زندگی و حس

قدرشناسی نسبت به حکومت^۲ را در ذهن مردم کاملاً جایگزین کند، و این مسئله تشکیلات منسجم، بهره گیری از افراد متخصص و بودجه ای چشمگیر بود.

تشکیل سازمان پرورش افکار

با آماده شدن زمینه های لازم، هیأت وزیران در جلسه ۱۲ دی ماه ۱۳۱۷ اساسنامه تشکیلاتی به نام سازمان پرورش افکار را به تصویب رسانیدند. روزنامه های وابسته بلافاصله به مدیحه سرایی پرداختند و تشکیل سازمان پرورش افکار را به مثابه آغاز نهضتی جدید در کشور قلمداد کردند. و نویسندگان روزنامه ایران از ابعاد جهانی آن سخن گفتند. سازه اندھی تشکیلات و تهیه آئین نامه لازم به سرعت انجام گرفت. بنابر اسناد موجود، نمای اداری سازمان پرورش افکار به شکل زیر بوده است^{۱۱}:

سیاست مطبوعاتی سازمان پرورش افکار و اداره کل انتشارات و تبلیغات:

در هفتمین جلسه هیأت مرکزی اساسنامه کمیسیون مطبوعات به تصویب رسید و از ۳۰ بهمن ۱۳۱۷، این کمیسیون به ریاست محمد حجازی فعالیت خود را آغاز کرد.

تا نیمه مهر ۱۳۱۹، اجرای سیاست مطبوعاتی صرفاً بر عهده سازمان پرورش افکار بود. اما با گسترش جنگ جهانی دوم و حساسیت روزافزون مطبوعات در حفظ تعادل خبری میان طرف های درگیر و نیز نا کافی بودن اختیارات اجرایی سازمان پرورش افکار که وابسته به وزارت فرهنگ بود، سازمان جداگانه ای زیر نظر شخص نخست وزیر (علی منصور) به نام اداره کل انتشارات و تبلیغات تاسیس شد. ریاست این سازمان به عهده یکی از برجسته ترین طراحان و کارگزاران فرهنگی رژیم یعنی دکتر عیسی صدیق - از

انتشار کتبی در راستای اهداف سازمان پرورش افکار - ایجاد نشریه ای قوی، مصور و تبلیغاتی به عنوان ارگان سازمان پرورش افکار^{۱۲}.

۱- هدایت کلی مطبوعات کشور:

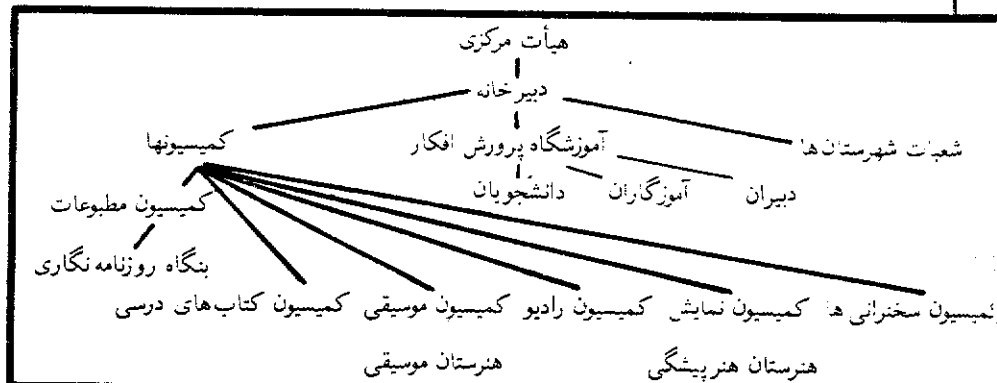
در مواد ۲، ۳، ۴، ۵، ۸ اساسنامه به این مسئله اشاره شده است. نشریات باید به انواع مختلف تقسیم می شدند و هر یک بنا به مخاطبان خود اهداف خاصی را دنبال می کردند. از طرف دیگر کمیسیون با گردآوردن نویسندگان زبردست باید موضوعات و مقالاتی را به منظور اجرای مرام پرورش افکار برای درج در مطبوعات و نمونه دادن به نویسندگان دیگر تهیه می کرد.

ایجاد روزنامه های انحصاری در مراکز استان ها:

برای تقویت مطبوعات وابسته و تسهیل در اعمال نظارت بر کیفیت و محتوای مطالب منتشر شده، تصمیم گرفته شد که در مرکز هر استان با ادغام روزنامه ها یا گاهنامه های مختلف در یکدیگر، مقدمات انتشار یک روزنامه قوی با مدیریت واحد و با مشارکت تمامی دست اندرکاران فراهم شود^{۱۳}. این سیاست مورد توجه شخص رضاشاه بود و با دقت و وسواس تمام از سوی او پیگیری می شده است^{۱۴}. در این راستا محمد حجازی طی مسافرت های متعددی به شهرستان های مختلف به مذاکره با صاحبان روزنامه های محلی پرداخت.

روزنامه منتخب از مزایایی چون تأمین کاغذ، مخابره تلگرافی لاقفل هزار کلمه در هر روز، اخبار خارجه و داخله، ارسال مقالات متنوع از طرف پرورش افکار، همکاری ادارات فرهنگ، بهداشتی و کشاورزی برای تهیه مقالات و فرستادن اخبار محلی توسط استانداری، فرمانداری و شهرداری، ترغیب و تشویق مردم و بنگاه های بازرگانی توسط استانداری برای اشتراک روزنامه و دادن آگهی برخوردار می شد^{۱۵}.

بر اساس اسناد موجود در تاریخ ۲۰ آذر ۱۳۱۸. از ادغام دو روزنامه «گذران توده» و «پرورش» در شهرستان رشت روزنامه «پرورش توده» به وجود آمد. و پس از مدتی این نام به «سپید رود» مبدل شد^{۱۶}. روزنامه جدید بیش از هشت ماه دوام نیاورد و در اثر اختلاف مدیران و عدم حمایت از طرف استاندار، تعطیل شد. خلیل



اعضا هیأت مرکزی سازمان پرورش افکار- نهاده شد. وی بلافاصله شورای عالی انتشارات را با همکاری قویترین رجال سیاسی و ادبی کشور به وجود آورد^{۱۳}.

پس از تعیین سیاست و خط مشی اداره کل تبلیغات، این ادارات از وزارتخانه های دیگر با رؤسا و کارمندان آنها به اداره کل انتشارات و تبلیغات منتقل شدند: خیرگزاری پارس از وزارت امور خارجه، راهنمای نامه نگاری از وزارت کشور، کمیسیون های سخنرانی، مطبوعات، موسیقی و رادیو از سازمان پرورش افکار. با پیوستن کمیسیون مطبوعات به این مجموعه توانائی اجرایی وامکانات حمایتی آن افزایش چشمگیری یافت^{۱۴}.

با دقت در مواد اساسنامه، به نظر می رسد این کمیسیون ۵ وظیفه عمده را به عهده داشته است:

۱- هدایت کلی مطبوعات کشور ۲- اصلاح و کنترل کیفیت چاپ در کشور ۳- تربیت کادر جدید و متخصص برای مطبوعات ۴- سفارش و

نخستین اقدام برای عملی کردن این طرح، تأسیس شعبات سازمان در شهرستان ها و تصویب طرح پرورش افکار دانشجویان در جلسه شورای دانشگاه بود. قدم بعدی تربیت نیروهای متخصص تبلیغاتی بود که در این راستا آموزشگاه هایی تاسیس شد. اولین آموزشگاه مختص آموزگاران و دبیران بود. کلیه دبیرانی که کمتر از ۵۰ سال و آموزگاران که کمتر از ۴۰ سال داشتند موظف گردیدند که در آموزشگاه حاضر شوند دروسی چون پرورش افکار به وسیله تاریخ و جغرافیا، آئین سخنوری، مبارزه با خرافات، پیشرفت ایران در عصر پهلوی، ملیت و وحدت ملی و اصول تربیت پشاهنگی را فرا گیرند^{۱۱}. داشتن گواهینامه این آموزشگاه، در ترفیع و اخذ اضافه حقوق کاملاً مؤثر بوده است^{۱۲}. هنرستان هنرپیشگی و هنرستان موسیقی نیز تربیت کادرهای متخصص در نمایشنامه نویسی، هنرپیشگی و نوازندگی را بر عهده داشتند.

نوعی مدیر روزنامه «گذران توده» در نامه‌ای خطاب به معاون نخست وزیر ضمن یادآوری مشکلاتی که پس از انتشار روزنامه «سپید رود» متحمل شده است به ذکر خدمات خود پرداخته و می‌نویسد: «به‌تنهائی می‌توانم از عهده برآمده، استرضای دولت و جمعیت سازمان پرورش افکار را فراهم کنم. چنانچه یک نظر کوچک به مقالات منتشره در روزنامه سپید رود منتخبه دولت ثابت می‌کند بر جراید شهرستان‌ها رحجان و مزیت دارد و مؤثرترین مقالات از قبیل: گفتار روز، سخنرانی‌ها، اقتصاد گیلان از نظر بازرگانی و کشاورزی شرکت‌ها و انواع آن‌ها، بهداشت بانوان، روزنامه و روزنامه‌نگار، صنایع دولت‌های بزرگ، مقالات کشاورزی و باورقی قهرمانان گمنام در روزنامه سپیدرود منتشر گردیده است.» وی در قسمت دیگری از نامه خود به



نکته‌ای اشاره می‌کند که از میزان محبوبیت روزنامه‌های پایتخت در شهرستان‌ها حکایت می‌کند: «با اندک تحقیق می‌توان یافت روزنامه ایران که از حیث مقاله و متوعات خود مهمترین روزنامه است در شهرستان رشت غالب اوقات تک فروشی ندارد و درآمد روزنامه در رشت برابر هزینه آن از سه هزار ریال بیشتر نیست.» وی بالاخره موفق می‌شود امتیاز روزنامه سپیدرود را به نام خود ثبت کرده و از مزایای «روزنامه انحصاری» برخوردار شود.^{۲۰}

شهرستان رضائیه (ارومیه) مرکز استان چهارم تا سال ۱۳۱۹. فاقد یک روزنامه مستقل بوده است. در مهرماه همان سال، حجازی در جلسه‌ای با شرکت مسئولان ادارات و منتقدین استان، آنها را به ایجاد چاپخانه و روزنامه تشویق می‌کند. در نتیجه ربیع انصاری مدیر داروخانه و تجارتخانه انصاری! حاضر می‌شود روزنامه‌ای به نام «کیوان» را زیر نظر اداره فرهنگ دایر نمایند. برای انتشار روزنامه، شرکت سهامی چاپ رضائیه با سرمایه سیصد هزار ریال تشکیل گردید. همچنین برای کمک به هزینه چاپخانه قرار شد کلیه مطبوعات دوایر دولتی در شهرستان رضائیه و سایر شهرستان‌های استان چهارم به شرکت نامبرده ارجاع شود.^{۲۱}

در تبریز نیز با این که سه روزنامه شاهین، تبریز و سهند دایر بود ولی وضع آنها رضایت بخش نبود. لذا پس از چند جلسه مذاکره در حضور رئیس اداره فرهنگ و مسئولان روزنامه‌های موجود، حاصل آن شد که روزنامه‌ای به نام «آریا» به سعی صاحبان سه روزنامه نامبرده با مساعدت دولت ایجاد شود. اما از آن‌جا که هیچ یک از آقایان صاحبان روزنامه‌های نامبرده حاضر نمی‌شد که جز خودش دیگری صاحب امتیاز روزنامه جدید بشود، اسدالله دهقان یکی از بازرگانان مته تبریز! حاضر شد امتیاز روزنامه را به اسم خود به ثبت رساند.^{۲۲}

انحصاری نمودن روزنامه‌های شهرستان‌ها علاوه بر مشکلاتی که در اثر عدم توافق مدیران به وجود آورد. گه با پیگیری و شکایت صاحبان روزنامه‌های تعطیل شده و مواجه می‌گردید. مثلاً حسن مجاهد صاحب امتیاز روزنامه «بهار ایران» شیراز در نامه‌ی به نخست وزیر ضمن دادخواهی نسبت به تعطیل روزنامه‌اش راجع به روزنامه انحصاری «گستان» می‌نویسد: «سزاوار نیست در شیراز که شهر ادبی و گهواره سعدی و حافظ به شمار می‌رود تنها یک روزنامه به نام گلستان که آن هم در حقیقت نماینده آگهی‌های ثبت اسناد است منتشر و سایرین از این حق محروم گشته و به قول خواجه: سخن درست بگویم نمی‌توانم دید - که می‌خورند حریفان و من نظاره کنم.»^{۲۳}

در پایان سال ۱۳۱۹. در ۸ مرکز استان، روزنامه‌های تحضاری مورد حمایت دولت قرار داشتند و از تسهیلات مالی و تدارکاتی لازم

بهره‌مند بودند.^{۲۴}. و بیش از ۱۰۰۰ مقاله مربوط به پرورش افکار در این نشریات به چاپ رسیده بود.^{۲۵}

۲- اصلاح و کنترل کیفیت چاپ در کشور:

با توجه به ۴ بند آخر اساسنامه، کمیسیون مطبوعات نظارت بر کلیه وسایل چاپ در کشور را بر عهده گرفت. این کمیسیون می‌توانست با تعیین شرایطی برای ماشین‌های چاپ روزنامه‌ها و مجلات، از به کار انداختن ماشین‌های چاپ ناقص و کهنه جلوگیری کند. به این ترتیب بسیاری از چاپخانه‌ها تنها به خاطر اشکالات فنی: مثل یکنواخت نبودن مرکب و استفاده از حروف مستعمل تویخ شده و در معرض تعطیل قرار گرفتند.^{۲۶}

ایجاد چاپخانه‌های جدید و تکمیل و اصلاح چاپخانه‌های موجود یکی دیگر از وظایف کمیسیون مطبوعات بود. در جلساتی که با حضور مدیران روزنامه‌های ایران، اطلاعات، کوشش، تجدد ایران و مجله یاران امروز و وزیر دارائی تشکیل گردید تصمیم گرفته شد که چاپ نشریات نفیس و اوراق بهادار به چاپخانه مجلس اختصاص داده شود و برای تکمیل نقایص آن اعتباری به مبلغ ۴۱۸۰۰۰ ریال در نظر گرفته شد.

در همان جلسه راجع به بقیه روزنامه‌ها آمده است: «از آن‌جا که درآمد چهار روزنامه اصلی پایتخت کفاف هزینه و استهلاک سرمایه لازم برای تکمیل چاپخانه‌های آن‌ها را نمی‌داد، با پرداخت وامی بلند مدت با بهره مناسب به آنان موافقت شد. در مقابل لازم بود چاپخانه و تمام ماشین‌آلاتی که بعداً در آن نصب می‌شد تا مدت تأدیه وام به وثیقه بانک درآید. ولی چون به هر حال باز هم درآمد هر روزنامه کفاف هزینه جاری و بهره وام را نمی‌داد، برای آن که هم درآمد مسلمی برای چاپخانه‌های نامبرده تأمین گردد تا بتوانند از عهده تأدیه وام و هزینه جاری خود برآیند و هم آن که اوراق مطبوعه ادارات و مؤسسات دولتی صورت بهتر و آبرومندی داشته باشد تنها راه چاره‌ای که به نظر رسید این بود که کلیه مطبوعات دولتی جز آنچه به چاپخانه مجلس داده می‌شد در حدود استعداد چاپخانه‌های چهارگانه، منحصرأ به سندیکائی که برای این کار تشکیل می‌شد و مرکب از صاحبان چاپخانه‌های نامبرده

بود داده شود که به فراخور امکان هر یک بین خود تقسیم و هزینه مربوط را بابت اقساط وام به دولت محسوب دارند^{۲۷}».

مفهوم جملات بالا این است که اولاً چهار روزنامه پایتخت در مقابل دریافت وام در واقع به مالکیت دولت درآمدند. ثانیاً تا سال‌های طولانی انتشار اوراق دولتی را مجاناً به عهده گرفتند.

با اجرای این سیاست، چاپخانه‌های سابقه‌دار و مستقل شهرستان‌ها در اثر عدم توانائی مالی برای بهبود دستگاه‌های خود از درآمد ناشی از چاپ اوراق دولتی و سپس انتشار هرگونه نوشته‌ای محروم شدند و به تدریج جای خود را به چاپخانه‌های دولتی یا وابسته به دولت دادند. مدیران پنج چاپخانه رشت ضمن ارسال گلابیه نامه‌ای به سازمان پرورش افکار، زیان ناشی از اقدامات دولت را با جملاتی این چنین شرح می‌دهند: «چاپخانه‌های رشت تاکنون به واسطه چاپ اوراق سیگار و کشاورزان چای، خود را اداره می‌کردند. چند سال قبل به واسطه انحصار دخانیات، چاپ اوراق سیگار از بین رفت و کارهای چاپخانه منحصر به اوراق بسته بندی چای گردید که آن هم از سال جاری به واسطه انحصار موقوف شد. چاپخانه‌های رشت حاضر شده‌اند که مزد چاپ دوایر دولتی شهرستان رشت را از قیمتی که وزارت دارائی به چاپخانه‌های تهران می‌پردازد صدی پانزده و از مزد صحافی صدی پنج تخفیف دهد، با این حال روانیست که دوایر ثبت اسناد، پست و تلگراف، بانک‌ها و قماش، اوراق معرفی خود را تماماً و دوایر دارائی، دخانیات، برنج و نوزان قسمت اعظم اوراق خود را از تهران وارد نمایند^{۲۸}».

۳. تربیت کادر جدید و متخصص برای مطبوعات.

تا پیش از تشکیل سازمان پرورش افکار، روزنامه نگاری، حرفه‌ای بود که دست اندرکاران آن بر اثر علاقه شخصی و به مدد تجربه عملی به تدریج در کار خود متبحر شده و با استفاده از زمینه‌های اجتماعی به ارائه خدمات فرهنگی می‌پرداختند. با آغاز سال ۱۳۱۹ اولین مؤسسه رسمی آموزش روزنامه نگاری وابسته به کمیسیون مطبوعات تشکیل شد. این مؤسسه که «بنگاه روزنامه نگاری» نامیده می‌شد با تشکیل دوره‌ای

یک ساله در دانشکده حقوق، از داوطلبانی که دارای شرایط زیر بودند ثبت نام می‌کرد:

- ۱- حسن اخلاق ۲- گواهینامه تحصیلات متوسطه ۳- انجام خدمت زیر پرچم یا داشتن معافیت دائم از آن ۴- صحت مزاج ۵- تابعیت ایران. کارمندان و نویسندگان شاغل در روزنامه‌ها از شرط دوم و دانشجویان دانشکده‌ها از شرایط دیگر معاف بودند.

برنامه بنگاه روزنامه نگاری از موارد زیر تشکیل می‌شد:

- ۱- زبان عربی و یکی از زبان‌های زنده ۲- روزنامه نگاری شامل: موضوع دادن برای نگارش یا نشان دادن نمونه‌های مطبوعات بزرگ عالم، سرمقاله نویسی و نگارش، مقاله‌های سیاسی و اقتصادی و مالی و تجارتي، تقریظ شامل: کتاب هنر، موسیقی، نمایش و سینما ۳- اصول روزنامه نگاری (خبرنگاری- ترقی و توسعه روزنامه در عصر حاضر، سیاست روزنامه، روایت‌شناسی توده، قانون مطبوعات ایران و آئین نامه‌های آن) ۴- تاریخ معاصر اروپا و ایران و کشورهای مجاور ۵- تند نویسی.

دانشجویان پس از خاتمه تحصیل از وزارت فرهنگ گواهینامه رسمی روزنامه نگاری را دریافت می‌کردند^{۲۹}.

متأسفانه در نتیجه دیرباز بودن اسناد فرهنگی دوران رضا شاه، اطلاعات ما درباره تعداد دوره‌های تشکیل شده، افراد شرکت کننده و اساتید بنگاه روزنامه نگاری بسیار محدود است. در مقاله‌ای دیگر^{۳۰} به نقل از نوشته‌ای منتشر نشده، نام سعید نفیسی و محمد حجازی به عنوان مدرسان آن مؤسسه ذکر شده است^{۳۱} که با توجه به مسئولیت محمد حجازی در کمیسیون مطبوعات و تدریس سعید نفیسی در آموزشگاه پرورش افکار این امر محتمل است. نگارنده در ضمن مطالعه شرح حال مرحوم جلال‌الدین همائی دریافت که وی در سال ۱۳۱۹ در دانشسرای عالی شروع به کار می‌کند ضمناً برای مدتی محدود به معلمی کلاس روزنامه نگاری انتخاب می‌شود، در همین ایام است که کم کم به دانشکده حقوق و دانشکده ادبیات انتقال می‌یابد^{۳۲}. به این ترتیب باید نام مرحوم همائی هم به مجموعه ناقص اساتید آن مؤسسه اضافه شود. ولسی در مورد شرکت کنندگان و سرنویشت آن بنگاه باید تا یافتن اطلاعات بیشتر صبر کرد. اما همین اطلاعات

مختصر درباره دروس و اساتید روزنامه نگاری در آن دوران و مقایسه آن با محتوای فعلی دروس قوت برنامه ریزی مشولین بنگاه روزنامه نگاری را می‌رساند.

بر اساس ماده ۱۳ اساسنامه کمیسیون مطبوعات موظف شده بود وسایل ایجاد کلاس چاپ برای تهیه چاپگرهای لایق را فراهم کند. اداره کل انتشارات و تبلیغات هم وظیفه‌ای مشابه را بر عهده داشت. مع هذا از کم و کیف تشکیل این کلاس نیز اطلاع چندانی نداریم ولی با توجه به نامه‌ای از اداره کل انتشارات و تبلیغات به نخست وزیر، (۱۹/۱۰/۵) که در آن تصریح شده تأسیس آموزشگاه چاپ به سال بعد موکول می‌شود، احتمال می‌رود با بروز حوادث شهریور ۲۰ این مسأله هم عملی نشده باشد.

۴- سفارش و انتشار کتاب در راستای اهداف سازمان پرورش افکار:

بر اساس ماده نهم اساسنامه، کمیسیون مطبوعات موظف می‌شد هر ساله تا بیست موضوع را در زمینه مرام پرورش افکار، مسابقه بگذارد و به نویسندگان کتاب‌های پذیرفته شده دستمزد بدهد. اما در عمل کار کمیسیون در انتشار ۴ مجموعه از سخنرانی‌ها، نمایشنامه‌ها و آئین نامه‌های سازمان پرورش افکار و نیز انتشار مجموعه درس مربوط به آموزشگاه پرورش افکار خلاصه شد و در قسمت تألیف هم کتابی به نام «فروغ زندگی» برای سواد آموزی سالمندان توسط حسین فرهودی رئیس دبیرخانه سازمان نوشته و توسط کمیسیون مطبوعات منتشر شد. از کتاب‌های احتمالی دیگر که مستقیماً یا با حمایت سازمان پرورش افکار منتشر شده است اطلاعی به دست نیامد.

۵- ایجاد مجله‌ای به عنوان ارگان تبلیغاتی:

اگرچه پس از تشکیل سازمان پرورش افکار در واقع تمام مطبوعات کشور به نوعی ارگان تبلیغاتی دولت شدند، اما نیاز به یک نشریه وزین و بهره‌مند از بهترین اسلوب‌های نگارش، صفحه بندی و چاپ از چند جهت لازم بود؛ اولاً: انتشار این مجله می‌توانست الگوی مطلوبی را برای دیگر مطبوعات فراهم آورد. ثانیاً ارگان مستقل باعث تقرب بیشتر مسئولان پرورش افکار در نزد دربار می‌شد. ثالثاً ضرورت وجود نشریه‌ای که در خارج نیز معرف پیشرفت‌ها و وضعیت

جاری کشور باشد حس می‌ش. در نتیجه انتشار مجله ماهانه‌ای به نام «ایران امروز» به مدیریت محمد حجازی مورد تصویب قرار گرفت. اولین شماره ایران امروز در ۲۴ اسفند ۱۳۱۷ - سالروز تولد رضاشاه - منتشر شد. روی جلد تصویر بزرگ پل ورسک نقش بسته و سرمقاله این گونه آغاز می‌شود: کارکنان این مجله بنا به وظیفه مقدس دانش‌پروری که برعهده گرفته‌اند، هم میهنان را به شاه‌پرستی و میهن‌دوستی رهبری [می‌کنند] مجله با گزارش‌های مصوری از رژه سوم - سفند - سالروز کودتا - و دیگر مراسم رسمی همراه بوده است.

توصیف آنچه در طول ۲ سال انتشار این مجله بر آن گذشت، خود فصل مفصلی خواهد شد از سرنوشت محتوم نشریات فرمایشی، اما با توجه به حجم مقاله تنها به ذکر اجمالی از آن تفصیل اکتفا می‌شود. اولین مشکل اساسی مجله مسأله عدم توازن درآمد و هزینه بود. در ابتدا وزارت کشور عهده‌دار تأمین هزینه‌های مجله به حساب اداره نامه‌نگاری آن وزارتخانه بود. ولی به علت قیمت گران مجله (صد ریال برای هر سال) و این که در آن اداره بودجه‌ای برای این کار منظور نشده بود، اداره مجله بابت کاغذ و چاپ مجله در چاپخانه مجلس مقدار زیادی بدهکار شد. در سال بعد نیز میزان این بدهکاری چنان بالا رفت که چاپخانه مجلس از ادامه چاپ مجله خودداری کرد. مشکل بعدی مجله مسأله توزیع آن بود. با آن که از ابتدا مجله تیراژی در ۵ هزار شماره داشت، ولی خریداری برای آن پیدا نمی‌شد.

اقدامات تمام ارگان‌های دولتی برای یافتن خریدار به جایی نرسید و در آخرین سال انتشار، تیراژ مجله به دو هزار عدد تقلیل یافت. تلاش‌های دولت برای جلب مشترک برای مجله از این قرار بود؛ ابتدا به استانداری‌ها ابلاغ شد که باید برای فروش مجله اقدام فوری و مؤثر نمایند. و نتیجه را به نخست‌وزیر اطلاع بدهند تا به عرض برسد. نمایندگان مجلس شورای ملی نیز موظف شدند تا اشتراک مجله را بپذیرند. شهرداری تهران نیز می‌بایست لاقح هزار مشترک صنوف مختلف از پزشکان گرفته تا آرایشگاهی بیابد و به علاوه هر ماه ده آگهی از بنگاه‌های مهم را برای مجله فراهم کند. سفارتخانه‌های ایران در خارج نیز موظف شدند با استفاده از بودجه وزارت خارجه ماهی ۱۰ شماره از مجله را مشترک شوند. آخرین راه‌حل نیز تحمیل مجله به تمام کارمندان دولت بود که ماهیانه بیش از هزار ریال حقوق می‌گرفتند. لیست اسامی این افراد به همراه حق الاشتراک یک ساله از کارگزینی‌ها برای اداره مجله فرستاده شد و در مقابل شماره‌های مجله به آدرس آنان ارسال می‌شد. این نحوه فروش مجله و وابسته بودن شدید آن به بودجه دولت، همچنین عدم

جذابیت مطالب، موجب اعتراضاتی به صورت کتبی و مقاومت منفی شد. با همه این تمهیدات مجله نتوانست از عهده هزینه‌های سنگین نگارش و چاپ برآید و در نتیجه در سال ۱۳۲۰ عملاً به تعطیلی کشیده شد در همان اوقات وزیر دارائی در نامه‌ای خطاب به نخست‌وزیر نوشت: «معلوم نیست با تمام این مخارج چه استفاده‌ای از آن شده و می‌شود. به نظر وزارت دارائی با مضمقه بسیار بودجه دولت و گرانی و کمیابی کاغذ که در آتیه نیز گرانتر خواهد شد، ادامه چاپ مجله نامبرده به صلاح و صرفه دولت نمی‌باشد با مراتب معروضه مستدعی است در صورت موافقت با نظر وزارت دارائی دستور بفرمایند عجالتاً از چاپ مجله گفته شده صرف نظر نمایند تا با وضعیت و مشکلات کنونی از این حیث خسارتی متوجه دولت نگردد»^{۳۲}

با موافقت نخست‌وزیر مجله محترمانه تعطیل شد و قرار شد به جای آن هر سه ماه یک‌بار مجله‌ای به چند زبان خارجی برای تبلیغات دولتی منتشر شود.

با بروز حوادث شهریور ۲۰ و سقوط رضاشاه سازمان پرورش تفکار نیز منحل شد. بعد از آن اصطلاح «پرورش افکاری» در فرهنگ معاصر ایران مترادف چاپلوسی و تملق‌گویی بود.

زیرنویس:

- ۱- برای اطلاعات بیشتر در مورد متن تلگراف ها نگاه کنید به: عبدالله امیر طهماسب، شاهنشاهی اعلیٰ حضرت رضاشاه چاپ دوم، تهران، ۱۳۵۰ خورشیدی
- ۲- احسان ظهیری، جامعه ایران در دوران رضاشاه تهران، ۱۳۵۶ خورشیدی، ص ۵۱ و ۵۰
- ۳- برای آگاهی پیرامون رابطه مضبوط و رئیس نوزاد نگاه کنید به: حسین مکی، تاریخ بیست سه ایران، ج ۲، ص ۳۴۷ و ج ۳، ص ۱۹
- ۴- برای آگاهی بیشتر درباره علل شکست جمهوری خواهی از جمله نگاه کنید به: س. منلیک، استمرار تکنوکراتوری رضاشاه در ایران، ترجمه سیروس یزدی، تهران، ۱۳۵۸، ص ۷۳ و ۹۳

- ۵- برای آشنایی با تازه ترین اطلاعات پیرامون کشف حجاب نگاه کنید به: حسام الدین آشنا «کشف حجاب در آئینه اسناد» گنجینه اسناد - دفتر اول - بهار ۷۰
- ۶- در این مورد، بخصوص روزنامه های فرانسوی در سالهای ۱۳۱۳ و ۱۳۱۴ مقالات زیادی انتشار دادند. انتشار یک کاریکاتور در یکی از روزنامه های فرانسوی موجب قطع رابطه ایران و فرانسه شد. برای توضیح بیشتر نگاه کنید به: حسین مکی، تاریخ بیست سه ساله ایران، ج ۶، ص ۴۰۹ تا ص ۴۱۲.
- ۷- برگرفته از متن سخنرانی دکتر احمد متین دفتری در اولین جلسه مجلس پرورش افکار.
- ۸- سند شماره ۱.
- ۹- روزنامه ایران از تاریخ تصویب اساسنامه این سازمان تا ده شماره بعد مرتباً سرمقاله های خود را به میسده پرورش افکار اختصاص داد و حسینقلی مستعان در این زمینه قلم فرسایی زیادی کرد.
- ۱۰- بعدها کمیسیون خدمات عامه هم اضافه شد.
- ۱۱- روزنامه ایران شماره ۲۷۵۹۴ مورخ ۱۲ بهمن ۱۳۱۷، ص ۲.
- ۱۲- برگرفته از متن اساسنامه آموزشگاه پرورش افکار.
- ۱۳- برای کسب اطلاعات بیشتر درباره اداره کل انتشارات و تبلیغات نگاه کنید به: عیسی صدیق، یادگار عمر، ج ۳، ص ۱-۱۰.
- ۱۴- بودجه سالیانه سازمان پرورش افکار حدود هزار تومان و در مقابل بودجه اداره کل انتشارات و تبلیغات یک میلیون تومان بوده است.
- ۱۵- برگرفته از متن اساسنامه کمیسیون مطبوعات سازمان پرورش افکار.
- ۱۶- همین مطلب از پاسخ نخست وزیر به امریه شفاهی شاه استفاده می شود.

- ۱۸- سند شماره ۳ و نامه شماره ۱۰۱ مورخ ۱۳۱۹/۷/۲۵ رئیس کمیسیون مطبوعات به وزیر فرهنگ.
- ۱۹- نامه مورخ ۱۳۱۹/۷/۱۷ خلیل نوعی به معاون نخست وزیر.
- ۲۰- صورت مجلس شماره ۱۵۶ به تاریخ ۱۳۱۹/۱۱/۱۶.
- ۲۱- نامه شماره ۱۰۱ کمیسیون مطبوعات مورخ ۱۳۱۹/۷/۲۵ به وزیر فرهنگ.
- ۲۲- نامه شماره ۱۰۰ کمیسیون مطبوعات مورخ ۱۳۱۹/۷/۲۵ به وزیر فرهنگ.
- ۲۳- نامه شماره ۳۵۳ مورخ ۱۳۱۹/۱۲/۱۴.
- ۲۴- از گزارش شماره ۱۶۶۶/۴۰۶۶ اداره کل انتشارات و تبلیغات مورخ ۱۳۱۹/۱۲/۲۷.
- ۲۵- مجله ایران امروز سال دوم شماره سوم خرداد ۱۳۱۹، ص ۱۲.
- ۲۶- سند شماره ۴.
- ۲۷- سند شماره ۵.
- ۲۸- نامه مورخ ۱۳۱۹/۵/۱۲ چاپخانه های رشت به کمیسیون مطبوعات.
- ۲۹- سند شماره ۶.
- ۳۰- مجله رسانه سال اول شماره دوم ص ۸، نگاهی به آموزش روزنامه نگاری در ایران.
- ۳۱- در آن مقاله به اشتباه نام سازمان پرورش افکار سازمان سنجش افکار ذکر شده است.
- ۳۲- جلال همایی، شعوبیه، به اهتمام منوچهر قدسی - ص ۷۸.
- ۳۳- نامه شماره ۴۱۷۱ مورخ ۱۳۲۰/۱۲/۲۰ وزیر دارالتی به نخست وزیر.

بروش افکار
 ۱۶- همین مطلب از پاسخ نخست وزیر به امریه شفاهی شاه استفاده می شود.
 سند شماره ۲.

مجلس
 تاریخ تاسیس دوره اول
 شریخ محمد علی

سند شماره ۱

اساسنامه سازمان پرورش افکار

مصوب هیئت وزیران

مورخ ۱۲ دیماه ۱۳۱۷

ماده ۱ - برای پرورش و راهنمایی افکار عمومی سازمان مخصوصی بنام « سازمان پرورش افکار » تأسیس میشود .

ماده ۲ - سازمان پرورش افکار دارای يك هیئت مرکزی در پایتخت و شعب در شهرستانها خواهد بود .

ماده ۳ - هیئت مرکزی تشکیل میشود از نمایندگان دانشگاه - انجمن علمی - از مدیران دبیرستانها - رئیس آموزش سالمندان - رئیس اداره پیش‌آهنگی - رئیس اداره راهنمای نامه نگاری . اسامی این اشخاص را وزارت فرهنگ معین و تصویب هیئت وزیران میرساند . لدی‌الاقضاء ممکن است اشخاص بصیر و مطلع دیگر بتصویب دولت بهیئت مرکزی ملحق شوند .

ماده ۴ - رئیس هیئت و رئیس دبیرخانه آن بتصویب دولت معین خواهند شد .

ماده ۵ - سازمان پرورش افکار برای انجام وظایف خود از وسایل ذیل استفاده خواهند کرد :

روزنامه‌ها - رساله‌ها - کتب کلاسیک و کتب عام‌المنفعه - سخنرانی عمومی - نمایش و سینما - رادیو - موسیقی و سرودهای میهنی و امثال آن .

ماده ۶ - هیئت مرکزی دارای کمیسیونهای فرعی برای امور ذیل خواهد بود :

کمیسیون مطبوعات - کمیسیون کتب کلاسیک - کمیسیون سخنرانی - کمیسیون

نمایش - کمیسیون رادیو - کمیسیون موسیقی .

رؤسای این کمیسیونها به پیشنهاد وزارت فرهنگ از طرف دولت انتخاب میشوند. اعضای کمیسیونها با جلب نظر رئیس از طرف هیئت مرکزی تعیین میشوند.

ماده ۷ - وزارت فرهنگ در مرکز و شهرستانها آموزشگاهی فوراً تأسیس میکند که کلیه آموزگاران و دبیران در آن شرکت کرده ترتیب و اسلوب پرورش افکار دانش‌آموزان و سالمندان را فرا خواهند گرفت.

ماده ۸ - در شورای دانشگاه طرحی تهیه خواهد شد که مطابق آن هر يك از دانشكده ها مأمور میشوند تعلیمات لازم در شورای دانشكده برای پرورش افکار دانشجویان باستادان دانشكده بدهند.

ماده ۹ - وزارت فرهنگ طرح اساسنامه تهیه و بتصویب دولت خواهد رساند که مطابق آن برای بهترین نویسنده مطبوعات - بهترین مؤلف - بهترین سخنران - بهترین سرودساز - بهترین تئاترنویس - جوایزی برقرار شود. همه ساله هیئت ممیزه برندگان این جوایز را تعیین و جوایز با تشریفات مخصوصی اعطا میشود. برندگان جوایز بموجب اساسنامه دارای امتیازات خاصی خواهند شد.

ماده ۱۰ - رؤسای فرهنگ شهرستانها بمرکز اجضاار میشوند برای گرفتن تعلیمات مخصوصی که هر يك در حوزه اداری خود با مشارکت فرماندار سازمان پرورش افکار را تشکیل داده و اداره نمایند.

ماده ۱۱ - کمیسیون رادیو مأمور است برنامه جامع تنظیم و به تصویب دولت برساند که برترتیب منظمی اخبار و نقلتها و موسیقی وغیره برای پرورش افکار عمومی بوسیله رادیو پخش شود.

در مراکز کشور بلندگوهای در امکنه عمومی برای شنیدن رادیو نصب خواهد شد. کمیسیون رادیو باید فوراً شروع بکار نماید تا هنگام دایر شدن دستگاه رادیو در تهران برنامه شش ماه آن قبلاً آماده باشد.

ماده ۱۲ - کمیسیون کتب کلاسیک مأمور است در کتب درسی دبستان ها و دبیرستانها اصلاحات سودمند بعمل آورده افکار مبین دوستی و شاهرستی را در مندرجات آنها بوجه مؤثری پیوراند.

ماده ۱۳ - کمیسیون مطبوعات، مکلف است در سبک نامه نگاری، بر اساس اساسی بعمل آورده زمینه‌های مفیدی برای نشر مقالات مؤثر و تصاویر جالب تهیه کرده اهتمام نماید که عده کافی نویسنده تربیت و آماده شود و وسایل طبع از حیث مرغوبیت کاغذ و چاپ فراهم گردد.

ماده ۱۴ - کمیسیون سخنرانی دستور مجالس سخنرانی که در مراکز و شهرستانها برپا میشود تهیه کرده و مراقبت خواهد نمود که عده کافی سخنران فراهم شده و خطابه‌ها در زمینه واحد برای پرورش افکار عمومی ایراد شود.

ماده ۱۵ - کمیسیون موسیقی مأمور است در اصلاح موسیقی کشور بوسیله ترویج موسیقی علمی اهتمام نماید که با ایجاد آهنگهای مهیج و سرودهای سپین و روانی فرح‌انگیز روح نشاط و کار و کوشش را در مردم تقویت کند.

ماده ۱۶ - برای پرورش افکار خدمتگزاران دولت در هر وزارتخانه رسائیل و مجالس سخنرانی و آموزشگاههای مخصوص تأسیس و دایر خواهد شد.

نخست وزیر : محمود جم



جناب آیت الله العظمیٰ

زیر ره - ۱۲۸۸۱ - بیروت - بزرگ حضرت امام خمینی

۵۶۵۹
۱۹/۱۱/۴۰

معه ذمه جناب تو بنظر که رقم وقفه در صلاح مذکور است

معلمت در این صبح در سطح برز درت لایز

بزرگ آیت الله العظمیٰ در بیان و بیان همه حقه و در بیان

نیز با حق تو مستور

آیت الله العظمیٰ
بزرگ آیت الله العظمیٰ
۱۹/۱۱/۴۰

۱۰۲۰۸
۱۹/۱۱/۲۴

تاریخ ۱۱/۴ ۱۳۱۹
شماره ۱۰۲۸۹۲



نخست وزیر

اداره کل انتشارات و تبلیغات

رونوشت گزارش آقای حجازی راجع بروزنامه شهرستان رشت
 به پیوست فرستاده میشود. بطوریکه اطلاع دارید در سبب
 بهبودی روزنامه های شهرستانها و اصلاح وضع مادی و معنوی
 آنها و امری از پیشگاه مبارک ملوکانه صادر و اجرای فرمان شاهانه
 ترتیبات لازم برای اصفهان و تبریز و رشت داده شده است. تکلیف
 سایر نقاط هم باید هر چه زود تر معین گردد.

لازم است اداره کل انتشارات و تبلیغات در این زمینه مراقبت
 مخصوص نموده در صورت لزوم کمک های نیش روزنامه های شهرستانها
 بنماید تا در هر دو کشور روزنامه آبرو رونق میسر گردد. - نخست وزیر

لهم اورن و براه از حش رانه الخ خرد و فخرم بینه
 رنه کادرین کردن - ملوکانه کماله کم روزنامه در کماله
 گنگا روزنامه بنام کماله در روزنامه آبرو منتشر گردد

۱۱
۱۹
۱۳۱۹

۱۱
۱۹

سند شماره ۴

سازمان پرورش

پست مرکزی

دیرخانه

شماره ۸۱
ضمیمه
بازگاز
۱۹/۵/۲۹

موضوع

آقای مدیر چاپخانه اتحادیه - قزوین

در نظر گرفته شده است وضعیت چاپ در کشور صورت آبرومندی داشته باشد و اینک چاپخانه های تهران و شهرستانها در صد اصلاح کار خود برآمده اند متاسفانه در چاپخانه قزوین بهبودی دیده نمیشود و برای شهری مانند قزوین این چاپخانه شایسته نیست با اینحال لازم است در رنج نواقص کار خود اقدام فوری بعمل بیاورید که حد اکثر تا یکماه دیگر اثرات آن مشهود باشد .

رئیس کمیسیون مطبوعات پرورش افکار - محمدحجازی

رونوشت برای استحضار جناب آقای معتمدی معاون نخست وزیری فرستاده میشود .

رئیس کمیسیون مطبوعات پرورش افکار - محمدحجازی

(Handwritten signature)

۲/۶

۹۱۱۱
۱۹/۵/۲۹



وزارت واری

دفتر وزیر

برای بررسی در موضوع بهبودی وضع مجلات روزنامه ها بر طبق نامه شماره ۸ (۸۷) جناب آقای نخست وزیر کیهیون در چند جلسه مرکب از آقایان مدیران روزنامه های ایران - اطلاعات - کوشش - تجدید ایران - مجله ایران امروز و نمایندگان وزارت فرهنگ و کار برد از مجلس و اداره انتشارات و تبلیغات تشکیل بررسی کالی بعمل آمده و نظری که کمیسیون اتخاذ نموده چنین زیارت :

چاپ مجله ایران امروز و سایر نشریات دولتی از قبیل تعمیر و نوار چسب (پاندریز) و سایر ایرانی بیانات آن در کتب که از طرف وزارت فرهنگ و سایر وزارتخانه ها منتشر می شود بجا چنانچه مجلس اختصاص داده شود و چون چاپخانه مجلس برای انجام وظیفه مجهز نیست باید برای تکمیل وسایل و خرید ماشین آلات با اختصاص نام متدبیرین اقدام شود شرح نواقص و اختیارات لازمه مطابق پیشنهادی است که از طرف کار برد از مجلس داده شده و پیوست می باشد و محتاج با اعتباری مبلغ ۱۰۰۰ ۱۹۸۰ ریال می باشد .

برای بهبودی روزنامه های مهم مرکب چون لاکر هر روزنامه ای باید چاپخانه خود تراداشته باشد تا اختلالی در چاپ و امور مربوط هر یک ایجاد نکند و بنا بر این پیشنهاد کمیسیون باید نقایس چاپخانه های چهار روزنامه مهم یعنی مرکز (ایران - اطلاعات - کوشش - تجدید ایران) رفع گردد تا بتوانند روزنامه همسای آبرومندی انتشار دهند . البته با وضعیت فعلی مطبوعات و مقدار آن که طبع و فروش می رسد درآمد کتوبی این روزنامه ها کفاف هزینه و استهلاك سرمایه ای را که بدین منظور برای تکمیل هر یک از چاپخانه ها بکار باید چنانچه نی نماید و علاوه مدیران روزنامه ها هم سرمایه لازم جهت تکمیل چاپخانه ها را ندارند کمیسیون عقیده دارد برای رفع نقایس چاپخانه روزنامه ها از طرف دولت بطور اطمینان و مساعدت شود با این طریق که مفسرین کرد از طرف یکی از بانکهای دولتی مهالغ مورد احتیاج تکمیل هر چاپخانه را با وثیقه گرفتن چاپخانه فعلی و ماشین آلاتی که بعد اورد میشود برای مدت طولانی مثلاً شش الی ده سال با بهره مستثنی بصاحبان هر یک از چاپخانه ها و باید هدیه که اصل وام و بهره مربوط با مساعدت سالانه از درآمد چاپخانه مستطبلک کردن و البته ماشین آلات لازمه نیز جهت نظرد دولت باید وارد و نقایس موجوده مرتفع گردد ولی چون بطریق دیگر با لا خاطر نشانی کرد بدو درآمد هر روزنامه کفاف هزینه جاری و استهلاك بهره مربوط را نچند عدد برای آنکه هم درآمد فعلی برای چاپخانه های نامبرده تأمین گردد تا بتوانند از بعد داده وام و هزینه جاری خود برآیند و هم آنکس اقوای مطبوعه از ارباب و موسسات دولتی صورت بهتر و آبرومندی داشته باشند تمهیدات جاریه که بطور مستقیم

این -



وزارت دارایی

دفتر وزیر

- ۲ -

تاریخ ماه ۱۳۱

شماره ضمیمه

این است که کلیه مخیرویات دولتی جز آنچه اختصاص به چاپخانه مجلس داده میشود در حد و استعداد چاپخانه های چهارگانه منحصر باشند بکافی که برای اینکار مرکب از اصحابان چاپخانه هان نامبرده تشکیل شده است داده نموده که بغرض این امر همگامی در تقسیم و هزینه مربوط را با بت التماس و ام بد دولت محسوب دارند بدین است که از نظر تامین وصول التماس و ام محاسبه درآمد و هزینه چاپخانه های نامبرده نیز ممکن است تحت نظر قرار گیرد صورت احتیاجات چاپخانه های نامبرده مطابق پیشنهاد هائی که رسیده و در نوشت آنها پیوست است خلاصه از این قرار است :

چاپخانه روزنامه ایران	۱ ۰۰۰ ۰۰۰
اطلاعات	۱ ۰۰۰ ۰۰۰
کوشش	۲۰۰ ۰۰۰
تجدد ایران	۵۰۰ ۰۰۰

۳ ۲۰۰ ۰۰۰ ریال

البته در صورتیکه اصولا مراتب پیشنهادی مورد تصویب واقع گردد باید نسبت با احتیاجات چاپخانه هسان هیئت از متقاضیان معین شوند که پس از اقرار از آنجا که حد اقل لوکم متناسب با احتیاجات موجود است تشخیص و تحت نظر دولت وارد شود

صفتی
علا محمد
سهراب

فدرت فوق نام از اول شهر اردیبهشت
قیمت از دولت طلبه و در نظر
مقامات
۲۱

حاج آقا

سند شماره ۶

انسان‌نامه بنگاه روزنامه نگاری
مصوب یازدهمین جلسه هیئت مرکزی

تاریخ ۲۸ اسفندماه ۱۳۱۷

- ماده ۱ - بنگاه در دانشنده، حقوق بنام بنگاه روزنامه نگاری تأسیس میشود.
ماده ۲ - دوره تحصیلات بنگاه روزنامه نگاری فعلاً یکسال خواهد بود.
ماده ۳ - برای ورود به بنگاه، روزنامه نگاری داوطلب باید واجد شرایط ذیل باشد:

- ۱ (حسن اخلاق
- ۲ (گواهینامه تحصیلات متوسطه
- ۳ (انجام خدمت زیر پرچم یا داشتن معافیت دائم از آن
- ۴ (صحت مزاج
- ۵ (تابعیت ایران

بصره ۱ - اشتغال به تحصیل در دانشکده‌ها بدانچه حق می‌دهد در این بنگاه بدون اینکه راجع به شرایط ورود از او تحقیقی صورت نگیرد نام نماید.
بصره ۲ - کارمندان و نویسندگان فعلی روزنامه‌ها با معرفی مدیر مسئول و واجد بودن شرایط میتوانند در کلاس روزنامه نگاری شرکت نمایند ولی گواهینامه متوسطه از آنان مطالبه نخواهد شد.

ماده ۴ - برنامه بنگاه روزنامه نگاری عبارتست از

- ۱ (زبان عربی و یکی از زبانهای زنده
- ۲ (روزنامه نگاری (موضوع دادن برای نگارش با تصاندادن نمونه‌های مطبوعات بزرگ عالم - سرمقاله نویسی و نگارش مقاله‌های سیاسی و اقتصادی و مالی و تجاری) تقریظ شامل کتاب - هنر - موسیقی - نمایش - سینما.

- ۳ (اصول روزنامه نگاری (خبرنگاری - ترقی و توسعه روزنامه ها -
 نشر - حاضر - سیاست روزنامه - روانشناسی توده - قانون مطبوعات ایران و آئین نامه
 غای آن .)
- ۴ (تاریخ معاصر اروپا ایران و کشورهای مجاور .
 ۵ (تند نویسی .
- ماده ۵ - پس از ختم تحصیل و قبول شدن در امتحان دانشجویان گواهینامه
 روزنامه نگاری از وزارت فرهنگ دریافت خواهند نمود .
- ماده ۶ - آئین نامه های اجرای این اساسنامه را دانشکده حقوق تهیه
 خواهد کرد .

